

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

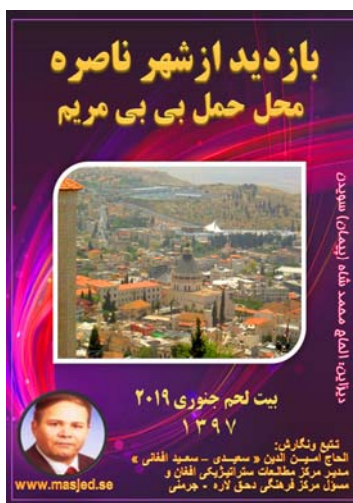
afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی-سعیدافغانی
۱۶ مارچ ۲۰۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم



۲

نوع مواد غذایی:

در تورت امر شده که می توانید از گوشت آنعه از حیوانات چهار پا استفاده و تناول به عمل آرید که آن حیوانات سم شکافته داشته باشند و در ضمن نشخوار کننده باشند، اگر حیوانات فقط یکی از این صفات را داشته باشند ، نه تنها خوردن گوشت آنها حرام است، بلکه لبنیات و سایر مواد به دست آمده از لبنیات نیز در شریعت یهودی حرام شمرده می شود. البته لبنیات در شریعت یهودی زمانی حلال شمرده می شود که از حیوانات کاشر به دست آمده باشد.

مواد غذایی چگونه تهیه شود؟

شرط اول در تهیه مواد غذایی را در شریعت یهودی ، حلال بودن حیوان تشکیل می دهد این بدین معنی است ، گوشت هائی باید در مواد غذایی مورد استفاده قرار گیرد که آن حیوان از جمله حیوانات حلال واز صحتمندی کامل برخوردار باشد .

شخصی که در حلال کردن حیوان سهم می گیرد ، در یهودیت آن را « شوخت » می نامند. حکم شرعی در یهودیت همین است که قبل از ذبح حیوان باید توسط شخص کاشر دقیقاً معاینه شود ، حیوان ذبح شونده باید سالم و فارغ از زخم و شکستگی اندام باشد .

کارد ذبح باید کارد تیز باشد که حیوان درحین ذبح به کمترین عذاب مواجه شود ، بعد از ذبح حیوان توسط « شوخت» (قصاب) باید ریه و امحا و احشای حیوان ذبح شده را معاینه می کند تا از سلامتی آن مطمئن شود.

گوشت حیوان کاشر باید مدتی در نمک بماند تا همه خون آن خارج شود، چرا که برای یهودیان خوردن خون حرام است و ظروفي که در آن شست و شوی گوشت صورت می گیرد باید نظیف و تمیز باشد. همچنان «شوخت» یا قصاب باید بر امور حلال کردن حیوان بلدیت تام داشته باشد .

در پختن گوشت نباید گوشت همزمان با لبنیات شیری، یکجا پخته شود ،ترکاری باب ، سبزیها و میوه ها از کرم و حشرات پاک باشد .

بناءً در تناول غذا یهودان در رستوانت های مسلمانان با اشتهای خاصی غذا می خورند و مشکل چندان در این باب نیست ، ولی هستند یهودان مذهبی که حتی در رستوران های مسلمانان احتیاط حلال بودن دینی خود را رعایت می نمایند وبا احتیاط در رستوانت های مسلمانان غرض صرف طعام تشریف می برند .

همچنان مسلمانان غرض تناول غذا به رستوران های یهودی و مسیحی به طور آزدانه در شهر فلسطینی و یهودی رفت و آمد دارند و مطابق حکم پروردگار از غذای تهیه شده توسط آنان به خصوص از ذبیحه شان استفاده می کنند. قرآن عظیم الشان در این مورد می فرماید: « **الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلْلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلْلٌ لَهُمْ** » یعنی:

« امروز برای شما چیزهای پاکیزه حلال کرده شده و غذای اهل کتاب برای شما حلال است و غذای شما برای آنها حلال است.» (سوره مائده ۵)

آیت متذکره به صراحت دلالت بر حلال بودن طعام اهل کتاب دارد،(طعامهم: کشتارشان)، همچنان که امام بخاری از ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرده است. در صحیحین- بخاری و مسلم- از روایت انس بن مالک رضی الله عنه آمده « **أَنَّ يَهُودِيَّةً أَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَاةٍ مَسْمُومَةٍ فَأَكَلَ مِنْهَا** » یعنی: یهودی گوشت گوسفندی مسموم را برای پیامبر به عنوان هدیه آورد و پیامبر از آن خورد...». این حدیث دلیلی بر حلال بودن ذبیحه اهل کتاب است، و گر نه، پیامبر صلی الله علیه وسلم از این گوسفند نمی خورد. اقوال علماء نیز بر این مسأله تأکید دارند، و اکثر اهل علم، اجماع را بر این مسأله نقل کرده اند.

ابن قدامه می فرماید: (و خلاصه مطلب، هرکس از مسلمانان و اهل کتاب، توانائی ذبح کردن داشت اگر حیوانی را ذبح کرد، خوردن ذبیحه اش حلال است، حال فرقی نمی کند، آن شخص، مرد یا زن، بالغ یا صبی و آزاده یا بنده باشد، و در

این باره هیچ اختلافی نمی بینیم). ولی ذبایح غیر یهودی و نصرانی(حال چه بت پرست باشد یا هندو یا بودائی یا مرتد یا لائیک یا و امثال آنها) در اینصورت ذبایح آنها به هیچ وجه حلال نیست زیرا نصوص شرعی بر حرام بودن آن ذبایح

تأکید دارد: « **حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَحُمُّ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ** » (سوره مائده ۳) یعنی: گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام

خدا ذبح شوند و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده - مگر آنکه (به موقع به آن حیوان برسید، و) آن را

سربرید- و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می شوند، (همه) بر شما حرام شده است.

البته شرط آن اینست که:

- ذبایح آنها برای غیر خدا نباشد، در صورتی که برای غیر الله باشد جایز نیست .
- شخصی که ذبح کننده است، از دین خود مرتد نشده باشند، یعنی ذبیحه کسی که قبلاً یهودی بوده ولی الان به دین خود معتقد نیست گوشت حلال شده توسط وی ، حلال نیست.

در ضمن اگر ذبح به صورت غیر شرعی باشد (مثلاً با شک الکتریکی کشته شده باشد و یا به نوعی خفه شده باشند) جایز نیست، زیرا در اینحالت در حکم مردار خواهد بود و مردار حلال نیست..

اگر مسلمانی عمداً اسم الله تعالی را در حین ذبح حیوان ترک کند ، ذبیحه آن حلال نیست.
قرآن عظیم الشان در این مورد می فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفِسْقٌ» (سوره انعام ۱۲۱) یعنی: از گوشت حیوانی نخورید که (به هنگام ذبح عمداً) نام خدا بر آن برده نشده است؛ چراکه خوردن از چنین گوشتی نافرمانی (از دستور خدا) است. و باز هم در (آیت ۱۱۸ سوره انعام) می فرماید: «فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ» یعنی: «پس از گوشت چهارپایانی بخورید که به هنگام ذبح نام الله را بر آن برده‌اند، اگر به آیات خدا ایمان دارید».

شرعیت دین مقدس اسلام رهنمود ها و دستاویز علمی و متعددی را در قرآن عظیم الشان و احادیث نبوی و احکام فقهی در مورد ذبح شرعی وضع نموده است :

شرعیت اسلامی تاکید نموده است که: آلت و ابزار ذبح باید تیز باشد، به گونه‌ای که خون جاری سازد و گلو را ببرد و قطع کند از قبیل کارد و چاقو و سنگ تیز و چوب تیز و برنده و شمشیر و شیشه و نی نوک تیز و برنده‌ای که چون کارد و چاقو ببرد و استخوان تیز به جز ناخن و دندان:

قابل تذکر است که اگر مسلمانی در هنگام ذبح فراموش کرده باشد تا اسم الله تعالی را بر زبان آورد ، حکم شرع همین است که چون این فراموشی عمدی نیست ، کفایت که هنگام خوردن بر آن نام الله برده شود.

در صحیح بخاری از ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها روایت شده که فرمودند: «أَنَّ قَوْمًا قَالُوا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ قَوْمًا يَأْتُونَنَا بِاللَّحْمِ لَا نَدْرِي أَسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَمْ لَا فَقَالَ سَمُّوا عَلَيْهِ أَنْتُمْ وَكُلُّوه قَالَتْ وَكَانُوا حَدِيثِي عَهْدٍ بِالْكَفْرِ» (بخاری) یعنی: گروهی به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتند: قومی برای ما گوشت آورده اند، و ما نمی دانیم که آیا آنها هنگام ذبح اسم خدا را بر آن برده اند یا نه؟ پیامبر فرمودند: نام خدا را بر آن ببرید و بخورید. عائشه رضی الله عنها می گوید: آن قوم تازه مسلمان شده بودند. لذا چون قومی که گوشت آورده بودند مسلمان بودند و از طرفی معلوم نبود که آیا (به دلیل نا آشنا بودن به احکام ذبح) هنگام ذبح اسم الله را آورده اند یاخیر؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم بدانها می فرماید که هنگام خوردن اسم خدا را بیاورند.

ذبایح اهل کتاب (یهودی و نصرانی(مسیحی) نیز برای مسلمانان حلال است. به شرطی که آن اهل کتاب از دین خود مرتد نشده باشند. یعنی ذبیحه کسی که قبلاً یهودی بوده ولی الان به دین خود معتقد نیست (و اسلام هم نیاورده) حلال نیست.

بازدید از شهر زیبای بیت لحم:

جنوری ۲۰۱۹م



ما بعد از این که از محل بود و باش و قریه ای که بی بی مریم در آن حامله شده بود، بازدید نمودیم به سفر خویش به شهر زیبای بیت لحم، شهریکه بنا بر روایات تاریخی و به خصوص مطابق روایات کتب چهارگانه اناجیل در آن متولد گردیده است ادامه دادیم.

قبل از همه باید گفت که حضرت عیسی علیه السلام که به نام عیسی ناصری شهرت داشت و شخصیت مرکزی در دین مسیحیت است، و مسیحیان معتقد اند که وی پسر خدا است و در شهر بیت لحم که از مربوطات ولایت ناصره می باشد چشم به جهان کشوده است.

در کتب اناجیل در مورد ولادت حضرت عیسی آمده است: «حضرت مریم به همراه شوهر یا نامزد خویش یوسف نجار برای شرکت در احصائیه گیری (نفوس شماری) به

جنوب فلسطین یعنی بیت لحم سفر نموده بود، به خاطر ازدحامی که در شهر وجو داشت جایی را پیدا نمی کنند و مجبور می شوند در یک آخور شب خویش را سپری نمایند، که در همان شب، عیسی به دنیا می آید، بدین ترتیب محل ولادت حضرت عیسی علیه السلام را اناجیل آخور گوسفندان در ولایت بیت لحم معرفی می دارند. مطابق روایات اناجیل در این آخور گوسفندان در همان شب دونفر هم حضور داشته اند؛ یکی یوسف نجار و دیگری مریم.

اناجیل می افزایند :

وقتی عیسی مسیح در آن آخور گوسفندان به دنیا آمد، فرشتگان، چوپان هائی را که در اطراف آن منطقه بودند، خبر کردند که بیابید در اینجا طفل نوزاد مبارکی به دنیا آمده است و مجوسی هائی که از شرق به آن منطقه آمده بودند به دنبال یک ستاره که در محل تولد، طلوع کرده بود به آن منطقه رفته بودند؛ و وقتی هم که مردم به آنجا آمدند، همگان فکر می کردند که عیسی فرزند مریم و یوسف است و طبق گزارش اناجیل، هیچ کس اطلاع نداشت که حضرت عیسی پدر ندارد.



اما قرآن عظیم الشان نامی از یوسف نجار نمی‌برد و بیان می‌کند که در محل تولد حضرت عیسی فقط حضرت بی بی مریم تنها و تنها بود.

قرآن عظیم الشان در آیات (۲۲ و ۲۳ سوره مریم) در مورد محل ولادت حضرت عیسی می‌فرماید: **«فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا، فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا»** (پس [مریم] به او [=عیسی] حامله شد و با او به مکان دور افتاده‌ای پناه جست، تا درد وضع او را به سوی تنه درخت خرمانی کشانید گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم).

حکم اسلامی در مورد مکان ولادت حضرت عیسی که در کدام منطقه از شهر بیت الحم صورت گرفته، به صورت کل چیزی نمی‌گوید، ولی قرآن عظیم الشان زمانی که ذکری از داستان حضرت عیسی علیه السلام را به میان می‌آورد، تذکر می‌دهد که ولادت حضرت عیسی در مکان دور تر در نزدیک تنه درخت خرما صورت گرفته، بدون این که ذکر نماید که درخت خرما در کدام منطقه.

همچنان پروردگار با عظمت ما در آیات (۱۶ تا ۲۵ سوره مریم) می‌فرماید: **«وَأَنْذَرْنَا فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْفِيًّا (۱۶) و در این کتاب از مریم یاد کن آنگاه که از کسان خود در مکانی شرقی به کناری شتافت (۱۶) فَأَتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (۱۷) و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد (۱۷) قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتُ نَفِيًّا (۱۸) [مریم] گفت اگر پرهیزگاری من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم (۱۸) قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا (۱۹) گفت من فقط فرستاده پروردگار تو ام برای این که به تو پسری پاکیزه ببخشم (۱۹) قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا (۲۰) گفت چگونه مرا پسری باشد با آن که دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام (۲۰)**

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا (۲۱) گفت [فرمان] چنین است پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است و تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم و [این] دستوری قطعی بود (۲۱) فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهَا مَكَانًا قَصِيًّا (۲۲) پس [مریم] به او [=عیسی] حامله شد و با او به مکان دور افتاده‌ای پناه جست (۲۲) فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا (۲۳) تا درد زایمان او را به سوی تنه درخت خرمائی کشانید گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم (۲۳) فَتَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا (۲۴) پس از زیر [پای] او [فرشته] وی را ندا داد که غم مدار پروردگارت زیر [پای] تو چشمه‌ای پدید آورده است (۲۴) وَهَزِي إِلَيْكِ الْجِدْعُ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَلِيًّا (۲۵) و تنه درخت خرما را به طرف خود [بگیر و] بتکان بر تو خرما تازه می‌ریزد (۲۵)

حکم کلی دین مقدس اسلام در مورد مکان ولادت و داستان ولادت حضرت عیسی همین است: زمانی که بی بی مریم به عیسی علیهما السلام حامله شد و وقت وضع حل فرا رسید و در کنار تنه درخت خرمائی زایمان کرد، و طفل خویش را در سینه خویش محکم گرفت و به نزد قوم خویش برگشت، مردم محل او را ملامت نمودند تا این که خود حضرت عیسی علیه السلام به سخن زدن آغاز کرد و به دفاع از مادرش پرداخت و این داستان زیبا در سوره مریم آیات ۲۷ و ۲۹ چنین بیان یافته است:

« فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا * يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا * فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا» (مریم ۲۷-۲۹).

یعنی: (مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد؛ گفتند: ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بد کاره‌ای!، (مریم) به او اشاره کرد؛ گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوئیم..

در آیت متبرکه کلمه: «ای خواهر هارون» آمده که در اشاره به هارون برادر حضرت موسی نیست، مطابق روایت هارون برادر موسی دو هزار سال قبل وفات یافته بود، بلکه هارون در آیت متبرکه اشاره به شخص نیگو کاری است که در زمان بی بی مریم زندگی می کرد.

در حدیث شریف به روایت مغیره بن شعبه رضی الله عنه آمده است که گفت: «لَمَّا قَدِمْتُ نَجْرَانَ سَأَلُونِي، فَقَالُوا: إِنَّكُمْ تَفَرَّغُونَ يَا أُخْتُ هَارُونَ، وَمُوسَى قَبْلَ عِيسَى بِكَذَا وَكَذَا، فَلَمَّا قَدِمْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: إِنَّهُمْ كَانُوا يَسْمُونَ بِأَنْبِيَائِهِمْ وَالصَّالِحِينَ قَبْلَهُمْ».

یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا به سوی مردم نجران فرستادند، مردم نجران (که نصاری بودند) به من گفتند: بنگر که شما در قرآن خود می‌خوانید «ای خواهر هارون» در حالی که موسی سالیان سال قبل از عیسی زندگی می‌کرد؟! راوی می‌گوید: پس چون بازگشتم، این سخنشان را با رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان گذاشتم، فرمودند: آیا به آنان نگفتی که مردم در آن زمان فرزندان خود را به نام پیامبران و صالحان پیشین نامگذاری می‌کردند، یعنی شیوه و عادتشان چنین بود؟!...». مسلم (۲۱۳۵) و ترمذی (۳۱۵۵).

علامه عبدالرحمن سعدی در تفسیر خود می نویسد: «ظاهراً هارون برادر حقیقی مریم بوده و او را به هارون نسبت دادند، و (سنت قوم آنان) این بود که اسم انبیاء را بر فرزندان خود می گذاشتند، و این هارون، هارون برادر موسی علیهما السلام نیست، زیرا بین آنها (مریم و هارون نبی) قرنها بسیاری فاصله است».

- به قولی دیگر؛ معنی این است: ای کسی که ما او را در صلاح و عبادت و زهد مانند هارون برادر موسی علیهما السلام می‌پنداشتیم، آخر چگونه مرتکب چنین عملی گردیدی؟ یعنی: آنان مریم علیها السلام را در صلاح و عبادت به هارون برادر موسی علیهما السلام تشبیه کردند.

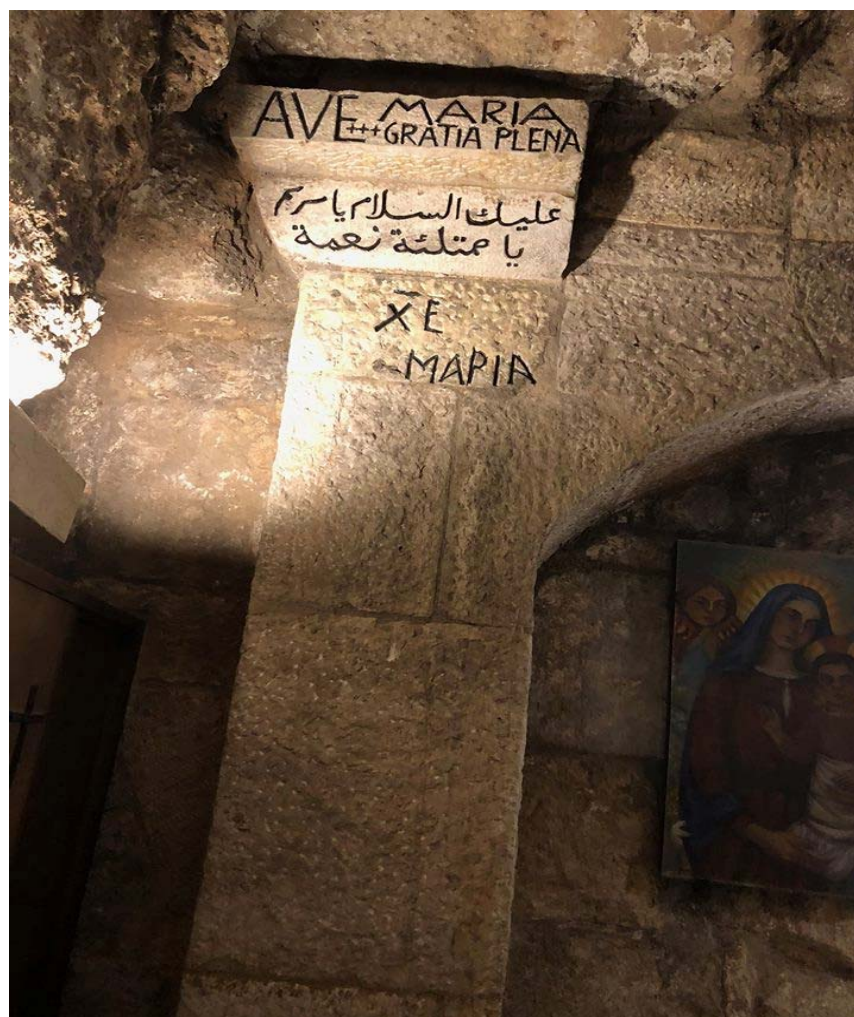
- و امام ابن کثیر به نقل از سُدی گفته: «منظور از خواهر هارون، چون مریم از نسل و تبار هارون علیه السلام بود، (برای همین بود که به او خواهر هارون می‌گفتند) چنانکه مثلاً به افراد قبیله تمیم می‌گویند: ای برادر تیمیم، و به افراد قبیله مضر می‌گویند: برادر مضر».

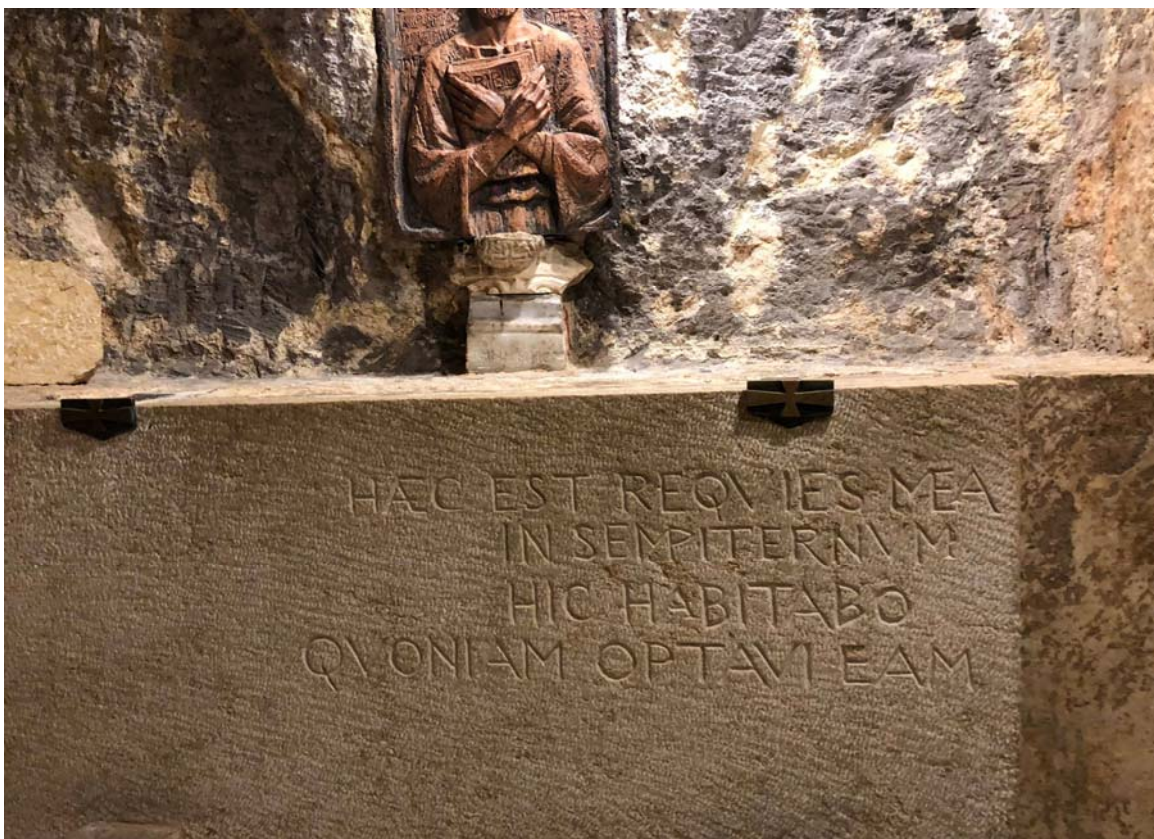
روایت مسیحیان در مورد محل ولادت حضرت عیسی:

فرقه های مختلف مسیحیان هم در مورد محل ولادت حضرت عیسی بین خود به اختلاف پرداختند، ولی اکثریت شان بدین امر معتقد اند که حضرت عیسی علیه السلام در بیت لحم متولد گردیده است.

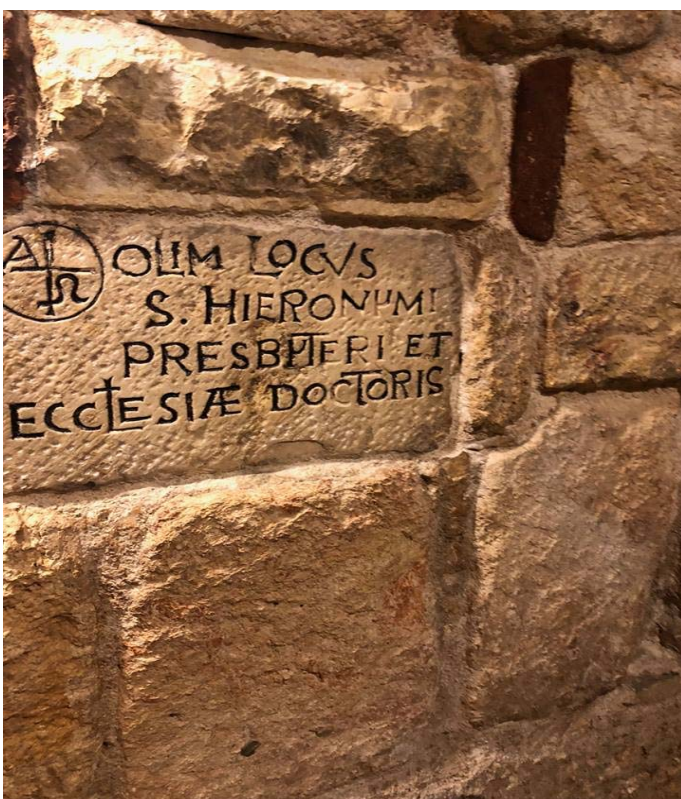
بازدید ما از شهر زیبا و تاریخی بیت لحم واز جمله کلیسای بزرگ به نام کلیسای «ولادت» در ماه جنوری ۲۰۱۹ صورت گرفت.

بعد از بازدید از مساجد مشهوری این شهر از جمله مسجد تاریخی عمر بن الخطاب به کلیسا که به عقیده مسیحیان محل ولادت حضرت عیسی است سر زدیم.





کلیسای «مهد» یا کلیسای «ولادت» در زمان امپراتور رومی کنستانتین (قسطنطنیه) در سال ۳۳۵ میلادی بنا گردیده است ، ویکی از قدیمی‌ترین کلیساهای فلسطین و جهان به‌شمار می‌رود.



شهر بیت لحم از لحاظ اداری از مربوطات ولایت ناصره به حساب می‌آمد ، امروز این شهر بنا بر موجودیت کلیسای « مهد » و یا هم کلیسای « ولادت » به حیث شهر مشهور توریستی در بین سیاحان و مؤرخان مبدل گردیده است .

ساختمان کلیسای «مهد و یا کلیسای ولادت» بی نهایت زیبا است و معماری درونی آن به مسجدالاقصی شباهت دارد . مؤرخان تأکید می‌دارند که درخت خرما که بی بی مریم در نزدیک آن ولادت نمود در همین محل تحتانی فعلی کلیسا قرار داشت .



در منزل تحتانی این کلیسا غار مشهور ولادت حضرت عیسی وجود دارد و در آنجا در سنگ مرمری وجود دارد که در آن به زبان لاتین چنین حک شده است:

«Hic de Virgine Maria Jesus Christus natus est» در اینجا عیسی مسیح از مریم مقدس متولد شد» و ۱۵ قنديل که نمایانگر ۱۵ گروه مسیحی است در آنجا قرار دارد.

شهر بیت اللحم از جمله شهر های تاریخی فلسطین است ، این شهر در ۱۰ کیلومتری بیت المقدس در ارتفاع ۷۵۶ متر از سطح بحر موقعیت دارد ، بیت اللحم به زبان عبری «خانه نان» می باشد . شهر بیت اللحم در عهد عتیق نیز معروف بوده ، و می گویند که حضرت داوود علیه السلام نیز در همین شهر متولد و دوران کودکی خویش و حتی زمامداری حکومت ۷ ساله خویش را در همین شهر سپری نموده است .

اکثریت مؤرخان در تواریخ خویش بر این نکته تأکید می ورزند که «راحیل» همسر حضرت یعقوب و مادر یوسف علیه السلام نیز در همین شهر مدفون است . (رساله سلسه مدن الفسطینه ، بیت لحم ۱۹۹۸ م صفحه ۱۲ نوشته مصطفی وولید)

مطابق روایات سیرت نویسان رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفر معراج از این شهر بازدید نموده و به سفارش جبرئیل علیه السلام در محل ولادت حضرت عیسی نماز خوانده است . (المقریزی ، امتاع الاسماع ، ۱۴۲۰ ق جلد ۸ ، صفحه ۱۷۴ و ۲۷۶)

بیت اللحم توسط مسلمانان در سال ۱۶ ق بعد از فتح بیت المقدس در زمان امیرالمؤمنین حضرت عمر (رض) فتح گردید .

طوری که در فوق هم تذکر دادیم مسجد بزرگی در این شهر در مقابل و روبه روی «کلیسای ولادت» به نام امیرالمؤمنین حضرت عمر در سال ۸۶۰ میلادی سال ۱۵ هجری تهداب گذاری و اعمار گردید که البته این مسجد بعد ها در سالهای ۱۹۵۵ میلادی یکبار دیگر ترمیم و بازسازی گردیده است . (بکر ، سید ، عبدالمجید ،) شهر المساجد فی الاسلام

(مطابع سحر، جده، عربستان سعودی؛ چاپ اول، انتشار سال ۱۹۸۵ میلادی. (به زبان عربی).

پایان

امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

بیت اللحم جنوری ۲۰۱۹